



● درآمد

شیخ ماهر حمود دبیر کل پیشین تجمع علمای مسلمین و روحانی سرشناس جامعه اهل تسنن یکی از همزمان و یاران شیخ الشهدای مقاومت اسلامی لبنان شهید شیخ رابع حرب بوده است. هر دو در مراحل حساس اشغال لبنان و رهنمون ساختن مبارزات بر حق مردم این سرزمین بر ضد صهیونیست‌های غاصب و حامیان غربی آن‌ها همواره در کنار یکدیگر بوده‌اند. در اداره تجمع علمای مسلمین لبنان نیز که از علمای شیعه و سنی تشکیل یافته فعالیت‌های مشترک فرهنگی و سیاسی داشته‌اند. آقای ماهر حمود در این گفت و گو به ابعاد شخصیت شیخ رابع حرب اشاره می‌کند:

■ نشانه‌های دورنگری و نועدوستی شهید رابع حرب در گفت و گوی اختصاصی شاهد یاران با شیخ ماهر حمود دبیر کل پیشین تجمع علمای مسلمین لبنان

## شیخ شهید اولین برپاکننده نماز جمعه در مناطق شیعه‌نشین لبنان...

همچون گذشته فقط به حمله گسترده هوایی دست بزنند، و نه حمله زمینی و اشغال نیمی از سرزمین لبنان. با وجودی که مسئولان سیاسی لبنان و فلسطین و عربستان سعودی همه می‌دانستند که اسرائیل درصدد حمله گسترده نظامی به لبنان و پیشروی تا رودخانه اولی (شمال شهر صیدا) می‌باشد. ولی متأسفانه هیچ اقدامی به عمل نیاوردند. هنگامی که ارتش اسرائیل زمینه پیش‌روی را هموار یافت، این تهاجم را تا بیروت، پایتخت لبنان ادامه داد. میان اسرائیل و سازمان ملل متحد و برخی دولت‌های عرب توافق به عمل آمده بود که حمله اسرائیل تا رودخانه اولی متوقف شود، اما مقام‌های رژیم صهیونیستی این توافق را زیر پا گذاشته و به پیشروی در سرزمین لبنان ادامه دادند. هدف حمله اسرائیل به لبنان سرکوب مقاومت فلسطین بود...

همین طور است. در جریان دومین سفر به تهران نیز روابط من با شیخ رابع حرب بیش از پیش استحکام یافت، و درباره ابعاد حمله اسرائیل به لبنان با یکدیگر بحث و تبادل نظر می‌کردیم.

در جریان این سفر آیا با مسئولان جمهوری اسلامی و مسئولان سپاه پاسداران درباره راه‌های مقابله با اشغالگران ملاقات و رایزنی هم داشتید؟ طبیعی است... در این با امام خمینی (ره) و آقای هاشمی رفسنجانی و برخی از فرماندهان نظامی دیدار داشتیم، و درباره پیامدهای اشغال لبنان و لزوم رویارویی با اهداف رژیم صهیونیستی با آنان بحث و تبادل نظر به عمل آوردیم.

شیخ رابع حرب در این دیدارها چه اظهار نظری می‌کرد و چه پیشنهادهای ارائه می‌داد؟

مقدس بیشتر با او آشنا شدم. مانند دو دوست صمیمی ملازم یکدیگر بودیم و درباره اوضاع لبنان و پیامدهای پیروزی انقلاب اسلامی ایران بر جهان اسلام بحث و تبادل نظر می‌کردیم. پس از بازگشت از تهران چند بار به دیدار شیخ رابع حرب در روستای جبشیت رفتم. چند روز پیش از حمله اسرائیل به لبنان، دوباره به تهران دعوت شدیم تا در کنگره نهضت‌های آزادی‌بخش

**با وجودی که مسئولان سیاسی لبنان و فلسطین و عربستان سعودی می‌دانستند که اسرائیل درصدد حمله نظامی به لبنان و پیشروی تا شمال شهر صیدا می‌باشد. متأسفانه هیچ اقدامی به عمل نیاوردند و هنگامی که اسرائیل زمینه اشغالگری را هموار یافت تا بیروت پیشروی کرد**

شرکت کنیم. هنگام اقامت در تهران خبر حمله گسترده نظامی اسرائیل به لبنان را از طریق خبرگزاری‌ها شنیدم. اندیشه تشکیل تجمع علمای مسلمین متشکل از روحانیون شیعه و سنی لبنان در حاشیه کنگره به ذهنمان رسید تا پس از بازگشت به لبنان راه‌های مبارزه با اشغالگران را پیگیری کنیم.

آیا در آن مقطع تاریخی، حمله گسترده نظامی اسرائیل به لبنان را پیش‌بینی می‌کردید؟ هرگز... پیش‌بینی کرده بودیم که اسرائیل امکان دارد

در چه سالی و چگونه با شیخ رابع حرب آشنا شدید؟

در حقیقت پیش از این که با شهید شیخ رابع حرب آشنا شوم نام و رفتار او را شنیده بودم. زمانی که ایشان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بر مبنای فتوای امام خمینی (ره) نماز جمعه در روستای جبشیت اقامه کرد، میان مسلمانان جنوب لبنان شهرت یافت. گمان کنم شهید رابع حرب اولین روحانی شیعه بود که در مناطق شیعه‌نشین جنوب نماز جمعه برپاداشت. برپایی نماز جمعه در این منطقه معمول نبوده و پیش از او هیچ روحانی و عالم دین نماز جمعه برپا نمی‌کرد. برپایی نماز جمعه در مناطق شیعه‌نشین جنوب لبنان توجه علمای اهل سنت منطقه را جلب کرد. روزی مطلع شدم که شیخ رابع حرب برای برپایی نماز دو رکعتی جمعه ابتکار عمل نشان داده است. در آن دوران آقای سید سامی خضرا یکی از رهبران کنونی حزب الله شرح حال و ابتکارات شهید شیخ رابع حرب را برای من بازگو می‌کرد و علاقمند شدم با شیخ رابع حرب آشنا شوم. آقای خضرا از شاگردان خوب من بود و روابط دوستانه با او داشتم.

این بحث به چه تاریخی مربوط می‌شود؟ به چند سال قبل از حمله سال ۱۹۸۲ اسرائیل به لبنان باز می‌گردد. به هر حال در سال‌های قبل از حمله اسرائیل با شیخ رابع حرب آشنا شدم و چند بار با یکدیگر دیدار و گفت و گو کردیم. حدود شش ماه پیش از یورش اسرائیل به لبنان یک هیئت متشکل از ده‌ها تن از شخصیت‌های سیاسی و روحانی لبنان به دعوت بنیاد شهید عازم تهران شدند. من و شیخ رابع حرب نیز جزء این هیئت بودیم. هنگام اقامت دو روزه در مشهد



شب را در خانه ام گذراند، ایشان قبل از حمله اسرائیل هم به دیدار من به صیدا آمده بود و این نشان می‌دهد که روابط صمیمی با یکدیگر داشتیم. به گونه‌ای که اسرار شخصی خود را نیز با یکدیگر در میان می‌گذاشتیم. شهید رابعی‌حرب همچنین برخی دیدگاه‌های فقهی جسورانه خود را بازگو می‌کرد. به طور مثال روزی به او گفتم که تصمیم دارم نمازهای جمعه شیعیان و اهل سنت شهر صیدا را یکسان و متحد کنم. به این مضمون یک آیین نماز جمعه برگزار شود آنگونه که در فقه شیعه و اهل سنت وجود دارد. ایشان در پاسخ گفت بالعکس من به نمازهای جمعه‌تان غبطه می‌خورم. هر یک از روحانیون شما یک تربیون نماز جمعه دارد و دیدگاه‌های خود را بیان می‌کند. این شیوه یک نوع تنوع ایجاد می‌کند، و هر انسانی خطیب جمعه خود را انتخاب می‌کند.

ارتباط دارید. از من خواست به مسجد قدیمی و نیمه متروکه روستای جیشیت بروم و سپس اقامه نماز مغرب و عشاء منتظر او بمانم. شیخ رابعی‌حرب نیز به جیشیت بازگشت و به طرف خانه بخشدار رفت تا علت ملاقات اسرائیلی‌ها با او را جویا شود. شیخ رابعی‌حرب به من گفت اگر اطلاع حاصل کردم که اسرائیلی‌ها در تعقیب شما هستند، شما را به نحوی به صیدا باز می‌گردانم و اگر با من کار دارند، خودم جوابگو هستم. پس از گذشت چند ساعت شیخ رابعی‌حرب پیام فرستاد که اسرائیلی‌ها سراغ او را گرفته‌اند و با من (ماهر حمود) کاری ندارند. آنگاه به خانه شیخ رابعی‌حرب بازگشتم و از ایشان پرسیدم با شما چه کار دارند؟ و اگر شما را احضار کردند چه خواهید کرد؟ ایشان قاطعانه جواب داد که به احضار اسرائیلی‌ها ترتیب اثر نخواهد داد. این موضع گیری قاطعانه و سازش ناپذیر نشان داد که شهید رابعی‌حرب هرگز تسلیم فشارها و باج‌خواهی اسرائیلی‌ها نمی‌شده است. در آن چند شبی که میهمان شیخ رابعی‌حرب بودید درباره چه مسائلی با یکدیگر بحث کردید؟ درباره مسائل روز از جمله راه‌های اتحاد مسلمانان، راه‌های رویارویی با اشغالگران صهیونیست، علت ناتوانی مقاومت فلسطین و احزاب و سازمان‌های سیاسی لبنان در زمینه ایستادگی در مقابل یورش نظامی اسرائیل بحث کردیم.

شکی نیست که شیخ رابعی‌حرب، مردی شهرت طلب نبود، و دیدگاه‌های خود را در جلسات محرمانه بیان می‌کرد. پس از گذشت چهار ماه از حمله اسرائیل به لبنان، روزهای زیبا و به یاد ماندنی با شیخ رابعی‌حرب داشتم. هنگامی که بشیر جمیل (رئیس جمهوری دست‌نشانده اسرائیل در لبنان) روز ۱۵ سپتامبر سال ۱۹۸۲ به قتل رسید. من طی سخنانی در جمع مردم شهر صیدا به شدت به بشیر جمیل حمله کردم. در پی این سخنرانی، نظامیان اسرائیل و مزدوران محلی به تعقیب من پرداختند. تصمیم گرفتم به جنوب لبنان بروم و برای مدتی پنهان شوم. در آن شرایط جنوب لبنان نسبتاً آرام بود و مقاومت ضد صهیونیستی هنوز آغاز نشده بود. چرا که نظامیان اسرائیل فقط فلسطینی‌ها را جستجو و بازداشت می‌کردند. من یکی از افرادی بودم که به فلسطینی‌ها کمک می‌کردند و به شدت تحت تعقیب جاسوسان و مزدوران اسرائیل قرار داشتم. به منظور پنهان شدن از چشم اسرائیلی‌ها شیخ رابعی‌حرب را انتخاب کردم تا در روستای جیشیت به من پناه دهد. ایشان چند شب به گرمی از من پذیرایی کرد. و مرا به جوانان مبارز جنوب معرفی کرد. مهم‌ترین نکته ظریفی که در آن روستا با آن برخورد کردم این است که شیخ رابعی‌حرب عصر روز شنبه مورخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۲ خانواده خود را با خودروی شخصی‌ام به روستای عبا منتقل کرد. چرا که او خودروی شخصی در اختیار نداشت. من نیز به اتفاق جوانان هم‌رزم شیخ رابعی‌حرب به روستای عبا که در مجاورت روستای جیشیت قرار دارد رفتم و با آقای سید محمد ترحینی دیدار و گفت و گو کردم. در این روستا به ما خبر دادند که سربازان اسرائیلی بخشدار روستای جیشیت را احضار کرده و سراغ شیخ رابعی‌حرب را گرفته‌اند. شیخ رابعی‌حرب به من رو کرد و گفت که سربازان اسرائیلی به سراغ شما آمده‌اند. چرا که شما از شهر صیدا به اینجا آمده‌اید و با فلسطینی‌ها

**از بازداشت شیخ شهید چند روزی نگذشته بود که جرقه قیام همگانی روشن شد و مردم جنوب بر ضد اشغالگران به قیام همگانی دست زدند و خواستار آزادی بی قید و شرط او شدند. البته پیش از بازداشت شیخ عملیات مقاومت مسلحانه به شکل محدود آغاز شده بود**

**طرح تاسیس تجمع علمای مسلمین لبنان ابتدا توسط چه کسی مطرح شد؟**  
یک سالی از اشغال لبنان توسط رژیم صهیونیستی نگذشته بود که من و شیخ رابعی‌حرب به منظور شرکت در کنفرانس بین‌المللی حج در تابستان سال ۱۹۸۳ به کشور آفریقای سیرالئون سفر کردیم. تعدادی از علما و روزنامه نگاران و حقوقدانان لبنانی در این هیئت حضور داشتند. دبیرخانه کنفرانس از شیخ رابعی‌حرب خواست درباره مقاومت در جنوب لبنان سخنرانی کند. ایشان عمده و عیسی روحانی‌اش را روی میز گذاشت و با دشداشه و سر برهنه پشت تربیون قرار گرفت. برخی از اعضای هیئت به این رفتار شیخ رابعی‌حرب اعتراض کردند. آقای سید محمد حسن الامین یکی از علمای شهر صیدا از شیخ رابعی‌حرب پرسید چرا با لباس

**آیا با سازمان‌های فلسطینی هم ارتباط داشتید؟**

طبیعی است... قبل از یورش اسرائیل به لبنان، امامت مسجد جامع شهر صیدا را برعهده داشتیم. اطراف این مسجد دفتر نیروهای ابو جهاد مرد شماره دو جنبش فتح قرار داشت. نیروهای ابو جهاد همواره در نمازهای جماعت و در برنامه‌های گوناگون این مسجد شرکت می‌کردند. اصولاً جمعیت شهر صیدا را لبنانی‌ها و فلسطینی‌ها تشکیل می‌دهند. میزان تراکم جمعیت فلسطینی در بخش قدیمی این شهر بیش از لبنانی‌هاست. بنابراین لبنانی‌ها و فلسطینی‌ها برادرانه و دوستانه در این شهر همزیستی دارند.

**تفاوتی میان روحانیون شیعه و سنی در شهر صیدا وجود داشت؟**

هرگز... هیچ تفاوتی وجود نداشت. آنچه که روحانیون شیعه و سنی را از یکدیگر متمایز می‌ساخت آراستگی ظاهری آنان بود.

**اسرائیلی‌ها به مخالفت شیخ رابعی‌حرب با معرفی خود چه واکنشی نشان دادند؟**

زمانی که یهودیان، شیخ رابعی‌حرب را احضار کردند او به صیدا آمد و دو







ضد صهیونیستی واکنش اسرائیلی‌ها را در محاسبات خود از نظر دور داشته بودند. سکوه‌های موشکی را نزدیک خانه‌های مردم قرار می‌دادند و سپس به شمال فلسطین اشغالی شلیک کرده و پنهان می‌شدند. یهودیان نیز در واکنش به این گونه عملیات، مناطق مسکونی را بمباران می‌کردند که در نتیجه آن مردم بی‌دفاع قربانی می‌شدند. در نتیجه این ناهنجاری‌ها، میان مقاومت فلسطینی و شهروندان جنوب لبنان نا آگاهانه شکاف و درگیری‌های خونین بروز کرد.

مقاومت فلسطین که در سال ۱۹۷۱ در جنوب لبنان استقرار یافت، با مردم جنوب اعم از شیعه و سنی پیوند خورد. اما کمی قبل از حمله اسرائیل، میان شهروندان جنوبی و رزمندگان فلسطینی درگیری‌های خونین روی داد. شکی نیست که مزدوران محلی و جاسوس‌های اسرائیلی در دامن زدن به این درگیری‌ها نقش اساسی داشتند. متأسفانه در نتیجه این درگیری‌ها، برخی از مردم جنوب لبنان در پی عقب نشینی مقاومت فلسطین، از اسرائیلی‌ها استقبال به عمل آوردند.

این خرسندی چند ماه ادامه داشت و علمای شیعه و سنی جنوب با چه شیوه‌ای توانستند این معادله را دگرگون کنند؟

طبیعی است که دگرگونی اوضاع تأسف بار به زمان نیاز داشت. به طور مثال جنوب لبنان از زمان حمله اسرائیل تا حدود سه ماه آرام بود. با این وصف عملیات شهادت طلبانه احمد قصیر روز ۱۲ نوامبر، شش ماه پس از استقرار ارتش اسرائیل در لبنان روی داد. به هر حال روند تحول مردم جنوب لبنان حدود شش ماه طول کشید. فراموش نشود که مقاومت ضد صهیونیستی در مناطق صیدا و بیروت زودتر از سایر مناطق جنوب آغاز شد. چرا که افراد مبارز و فعالان اسلامی در این محورها هنوز حضور داشتند اما هنگامی که مقاومت همه جانبه و فراگیر در جنوب لبنان آغاز شد، چهره‌ای قوی و شکوهمند و بی‌نظیر داشت.

حدود یک سال نگذشته بود که رفتار و گرایش مردم جنوب به کلی دگرگون گردید. ۷۰ تا ۹۰ درصد جنوبی‌ها با برگزاری تظاهرات و اعتصابات و نافرمانی به دستورات نظامیان صهیونیست از عملیات مقاومت بر ضد اشغالگران پشتیبانی کردند.

در حقیقت اگر عملیات جدی و کمر شکن مقاومت اسلامی در کار نبود و تلفات سنگینی بر ارتش اشغالگر وارد نمی‌آمد، امکان نداشت این تحول ژرف و بنیادین در اندیشه مردم جنوب به وجود آید. جنوبی‌ها که در آخرین سال‌های حضور

شخصی پشت تریبون رفته‌ای؟ شیخ راغب به معترضان گفت: «از غرور و بزرگ نمایی هراس دارم. از بس که مردم از من به نیکی یاد کرده‌اند و گفته‌اند که شیخ راغب مرد شجاعی است و با اسرائیلی‌ها دست نداده است می‌خواستم این غرور را بشکنم و فروتنی نشان دهم». این یکی از نشانه‌های رفتاری شهید شیخ راغب حرب بود.

**موضوع دست ندادن شیخ به اسرائیلی‌ها چیست؟**  
روزی تعدادی از فرماندهان نظامی اسرائیل به خانه او رفته و در صدد بودند با او مذاکره کنند. در این دیدار سعی کردند با او دست بدهند، اما شیخ این تقاضا را به شدت رد کرد. شیخ در نتیجه این رفتار اخلاقی و ملی‌بازداشت شد. در آن زمان من در بیروت بودم و با چاپ و انتشار مقالات و تصاویر ایشان خواستار آزادی ایشان شدم. زیر تصویر شیخ راغب حرب این عبارت را نوشتم: «دست دادن با اسرائیلی‌ها نشانه به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی است. مخالفت با اشغالگری مهمترین سلاح ماست. مرگ بر اسرائیل». من این عبارات را از موضع گیری‌ها و دیدگاه‌های شیخ راغب حرب برداشت کرده بودم. ولی دیری نپایید که توده مردم آن را شعار حرکات اعتراض آمیز خود قرار دادند.

در پی بازداشت شهید شیخ راغب حرب، تظاهرات باشکوه و گسترده‌ای در بیروت برنامه ریزی کردم. هدف از این تظاهرات برانگیختن افکار عمومی جهان بر ضد اسرائیلی‌ها و تلاش برای آزادی ایشان بود. از بازداشت شیخ راغب حرب چند روزی نگذشته بود که جرقه قیام همگانی روشن شد. البته ناگفته نماند که پیش از بازداشت شیخ، عملیات مقاومت مسلحانه به شکل محدود آغاز شده بود اما در پی بازداشت او، مردم جنوب لبنان بر ضد اشغالگران به قیام همگانی دست زده و خواستار آزادی بی قید و شرط او شده بودند. از آن پس فضای عمومی و رویکرد مردم به کلی دگرگون گردید.

**گفته شده که در پی حمله اسرائیل، نوعی خرسندی و رضایت میان مردم جنوب بروز کرد، دلایل این خرسندی چه بوده است؟**

متأسفانه پیش از حمله اسرائیل به لبنان میان برخی سازمان‌های فلسطینی و مردم جنوب به ویژه عناصر جنبش امل درگیری‌های خونین روی داد. تردیدی نیست که این درگیری‌ها در نتیجه اشتباهات طرفین بروز کرد. لبنانی‌ها، مقاومت فلسطین را مسئول آغاز این درگیری‌ها معرفی کردند. جنبش‌های فلسطینی میهمان مردم جنوب لبنان بودند و برای اجرای عملیات مسلحانه



**انقلاب اسلامی ایران برای اندیشه و ادبیات اخوان المسلمین احترام قائل است. مقام‌های انقلاب همچون آقایان خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی در پنجاه سال گذشته بسیاری از ادبیات این جنبش را به فارسی ترجمه کردند. پس از پیروزی انقلاب نیز برخی خیابان‌های تهران به نام‌های حسن البنا و سید قطب نامگذاری شد**

مقاومت فلسطین در جنوب، از رفتار برخی گروه‌های فلسطینی آسیب جدی دیده بودند، راهکار و عملیات مقاومت اسلامی لبنان را جدی و هوشیارانه یافتند و با آن هماهنگ شدند. افزون بر آن رزمندگان و نیروهای مقاومت از درون روستاهای جنوب برانگیخته شده بودند. رزمندگان مقاومت اسلامی عملیات مسلحانه ضد صهیونیستی را با مردم هماهنگ می‌کردند، زیرا با مردهشان بیگانه نبودند.

نقش تجمع علمای مسلمین و هیئت علمای جبل عامل در زمینه ایجاد تحول مردمی چگونه بوده است؟ شکی نیست که بیشتر تظاهرات و اعتصابات در مخالفت با حضور اشغالگران صهیونیست توسط این محافل برنامه ریزی می‌شده است.

**تجمع علمای مسلمین لبنان در حال حاضر چه جایگاهی دارد؟**

این تجمع در شرایط کنونی جایگاه تشریفاتی دارد. متأسفانه به همین دلیل از آن کناره گیری کرده‌ام. من دوست ندارم تجمع علمای مسلمین به این شکل باقی بماند. علاقمند فعالیت‌های خود را با جدیت ادامه دهد. نقش رهبری در صحنه پیکار داشته باشد. این تجمع در فاصله سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۵ گرداننده بسیاری از فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی در جوامع اسلامی لبنان بوده است. در آن سال‌ها حزب الله هنوز چهره علنی به خود نگرفته بود. حزب الله در مارس سال ۱۹۸۵ موجودیت خود را به طور علنی اعلام کرد. پیش از اعلام موجودیت حزب الله، تجمع علمای مسلمین حرف اول را می‌زد. نقش و مأموریت تجمع علمای مسلمین لبنان در آن مرحله، شباهت چندانی با



تهران به نام‌های حسن البنا و سید قطب نامگذاری شده است. این انکار پذیر نیست که بسیاری از کارگزاران و پیکارگران شیعه نیز تحت تأثیر اندیشه‌های اخوان المسلمین قرار داشتند. شهید نواب صفوی، این مبارز ایرانی با شهید حسن البنا بنیانگذار سازمان اخوان المسلمین روابط صمیمانه داشته است. روابط میان دو تن از رهبران جنبش‌های اسلامی ایران و مصر در نیمه اول قرن بیستم یک مسئله قابل توجه می‌باشد. اندیشه حزب الدعوة

نقش کنونی حزب الله نداشت. هنگامی که حزب الله جنبه علنی به خود گرفت، نقش این تجمع ناخود آگاه کم‌رنگ شد. در پی بروز نا آرامی‌های جنوب لبنان که از سال ۱۹۸۵ تا سال ۱۹۸۹ ادامه یافت و به «جنگ اردوگاه‌ها» شهرت یافت، تجمع علمای مسلمین برای خاموش نمودن آتش جنگ دخالت کرد و توانست به درگیری‌های خونین میان جنبش امل و فلسطینی‌ها در اردوگاه‌های صیدا و محور مغدوشه و اردوگاه الرشیدی در جنوب لبنان پایان دهد.

**صحنه سیاسی لبنان باز و متنوع است و با سایر صحنه‌های جهان عرب تفاوت دارد. اندیشه برخی جنبش‌های اسلامی و مکاتب فکری جهان عرب همچون سازمان اخوان المسلمین و یا حوزه‌های علمی نجف اشرف و قم تا چه میزان تأثیرگذار بوده است؟**

**زمانی که با تهاجم اسرائیل مواجه شدیم. علمای شیعه و سنی لبنان برای رویارویی با دشمن بسیج شدند. گفتمان فقهی را برای مدت کوتاهی متوقف نموده و فعالیت‌های خود را روی پشتیبانی از مقاومت اسلامی متمرکز ساختند. علمای اسلام برای پشتیبانی از مقاومت لبنان و فلسطین اولویت قائل هستند**

در زمینه انتظار امام مهدی (عج) به نقش مثبت تبدیل کرد. به نقش رهبری شیعیان در جهان اصالت بخشید. شعارهای ارزشمند نه شرقی و نه غربی مسلمانان جهان را شگفت زده کرد. در این میان دشمنان امیدوار بودند بسا ارتحال امام خمینی (ره) شعارها و شکوه انقلاب اسلامی هم از بین برود و یا کم‌رنگ شود. اما با گذشت ۳۰ سال این انقلاب همچنان راهش را ادامه می‌دهد. میل ندارم درباره جزئیات مسائل سیاسی داخل ایران بحث کنم ولی بر این باورم که برادرم محمود احمدی نژاد رئیس جمهوری اسلامی ایران با شعارهای بزرگی که مطرح کرده به جوانی و پویایی انقلاب اسلامی اصالت بخشیده است.

**به عنوان آخرین سوال بفرمائید که شهید شیخ راضی حرب فقط یک چهره مبارز ضد صهیونیست بود یا در زمینه رفع محرومیت و فقر و عقب ماندگی نیز مبارزه و تلاش کرد؟**

بسیار... بسیار... بسیار تلاش کرد... مبارزات ایشان تنها در برابر اشغالگری محدود نبوده است. در برابر بیعدالتی، محرومیت، استضعاف به شدت مبارزه کرده است. از احساسات نیک برخوردار بود. مردی مهربان و نوع دوست بود. پرسش شما مرا به یاد یک خاطره انداخت. در سفری که به سیرالئون داشتیم، شیخ راضی پس از اقامه نماز جمعه، مقادیری سسکه در جیب داشت و آن‌ها را میان کودکان فقیر آن کشور توزیع کرد. کودکانی که از او سسکه دریافت می‌کردند شادی و لبخند در چهره‌شان نمودار شده بود. به او گفتم این چه کاری است که شما می‌کنید؟ به من گفت آیا شادی و خوشحالی را در چهره این کودکان بیگناه احساس نمی‌کنید؟

روزی که میهمان او در حبشیت بودم، شیخ با لبخند از راه رسید. از او پرسیدم چرا می‌خندید؟ او گفت این کودک ده ساله حاضر نشده پشت سر من نماز بخواند. از او پرسیدم علت چیست؟ شیخ راضی در پاسخ گفت: این کودک ده ساله به من می‌گوید که شما از درخت انجیر همسایه یک دانه انجیر چیده‌اید و خورده‌اید!! آیا از همسایه‌تان اجازه گرفته‌اید؟ برخورد این کودک شیخ راضی را شگفت زده کرده بود. این نشان می‌دهد که ایشان تا چه اندازه با مردم عادی به ویژه با کودکان همنشین بوده و به آنان عشق ورزیده است. هرگاه از آسایشگاه افراد بی سرپرست حبشیت بازدید به عمل می‌آورد، بسیار اظهار خرسندی می‌کرد. مردی فروتن و بخشنده بود. همه او را دوست داشتند... او نمونه اخلاق و نوع دوستی و مقاومت و اصلاح جامعه بود. ■

پیشین عراق، و نه حزب الدعوة کنونی به اندیشه اخوان المسلمین شباهت داشت. دیدگاه‌های فکری این جنبش‌ها با یکدیگر نزدیکند، و فقط در مسائل فقهی با هم اختلاف دارند.

**این همفکری و همکاری چه دستاوردهایی داشته است؟**

شکی نیست که این همفکری دستاوردهای زیادی برای مسلمانان داشته است. در لبنان زمانی که با تهاجم اسرائیل مواجه شدیم. علمای شیعه و سنی برای رویارویی با دشمن اشغالگر بسیج شدند. گفتمان فقهی را برای مدت کوتاهی متوقف نموده و همه فعالیت‌های خود را روی پشتیبانی از مقاومت اسلامی متمرکز ساختند. علمای اسلام در شرایط کنونی نیز برای پشتیبانی از مقاومت فلسطین و مقاومت لبنان اولویت قائل هستند. همه برنامه‌های خود را جهت ایستادگی در برابر زورگویی آمریکا و اسرائیل و استکبار جهانی و عقب ماندگی سیاسی در منطقه رهنمون می‌کنند.

متأسفانه به رغم گذشت ۳۰ سال از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و پیروزی‌های بزرگی که اسلامگرایان در مناطق گوناگون کسب کردند، ولی هنوز هیچ پیشرفتی در زمینه تقرب و وحدت فقهی میان مذاهب اسلامی حاصل نشده است. موضوع‌های حساسیت برانگیز و عوامل بازدارنده تقرب فقهی و علمی بین مذاهب اسلامی همچنان به قوت خود باقی است. قدرت عوامل بازدارنده فقط در قالب برخی مسائل کاسه شده است.

**برگزاری این همه همایش‌ها و سمینارها و کارگاه‌های آموزشی چه دستاوردی داشته است؟**

بیشتر این همایش‌ها تشریفاتی است و چه بسا ما را از اهداف اصلی دور کرده است. به همایش‌ها و گردهمایی‌های جدی نیاز داریم. اکنون وقت آن رسیده تا به یک انقلاب عظیم فکری و فقهی به منظور تقرب بین مذاهب اسلامی دست بزنیم. آنگونه که امام خمینی (ره) به انقلابی بزرگ در زمینه تحکیم وحدت مسلمانان دست زد. این یک انقلاب فعال و جدی بود. نقش منفی شیعیان را

